

و طناب های دار را برای جانپان تاریخی بردند!

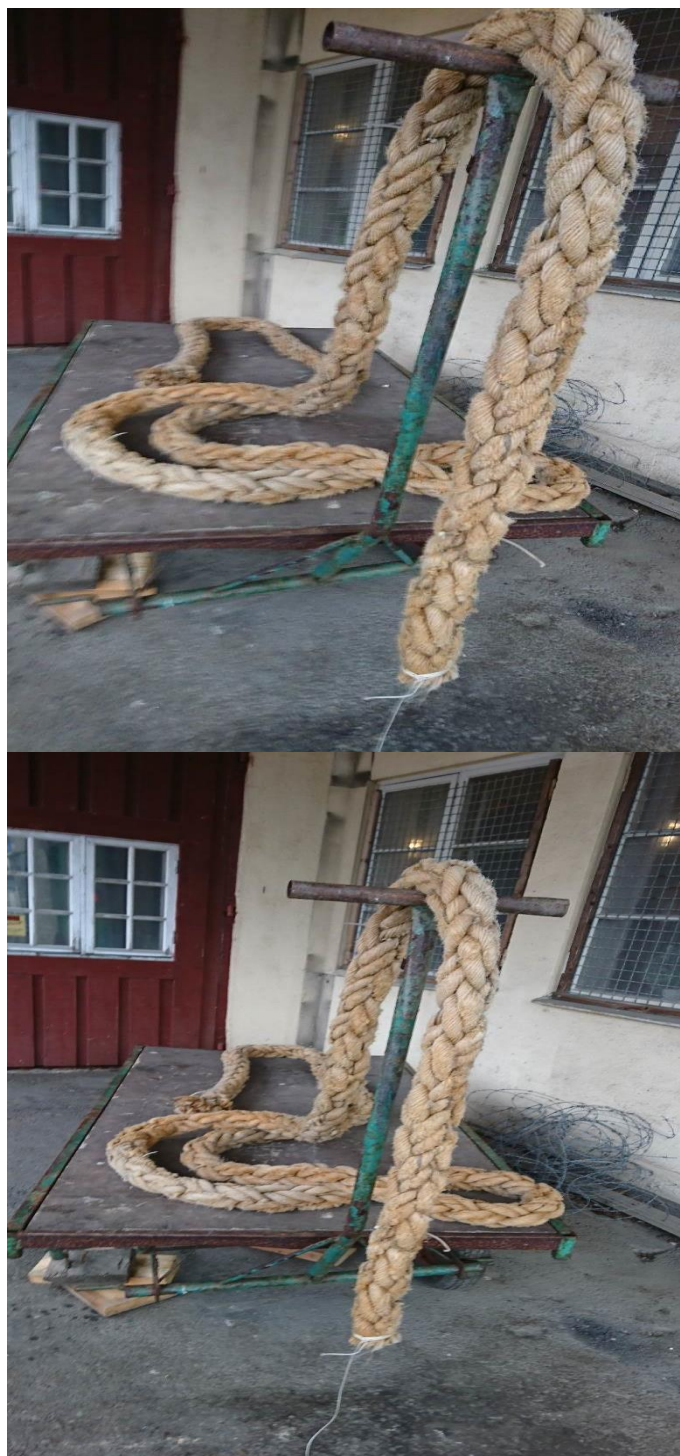
ماربوآ؟ رها شده در شهر؟



ترسیدم. برای حفظ جان خود و دیگران،

به دقت نگاه کردم.

شبه مار بود.



طنابی بود کلفت و خوش بافت.

از صاحب مغازه پرسیدم:

« این طناب ها برای چیست؟ »



فرمود: «چند نفر آمده بودند طناب دار کسی یا کسانی را بافته اند و
رفته اند. اینجا امانت است.»



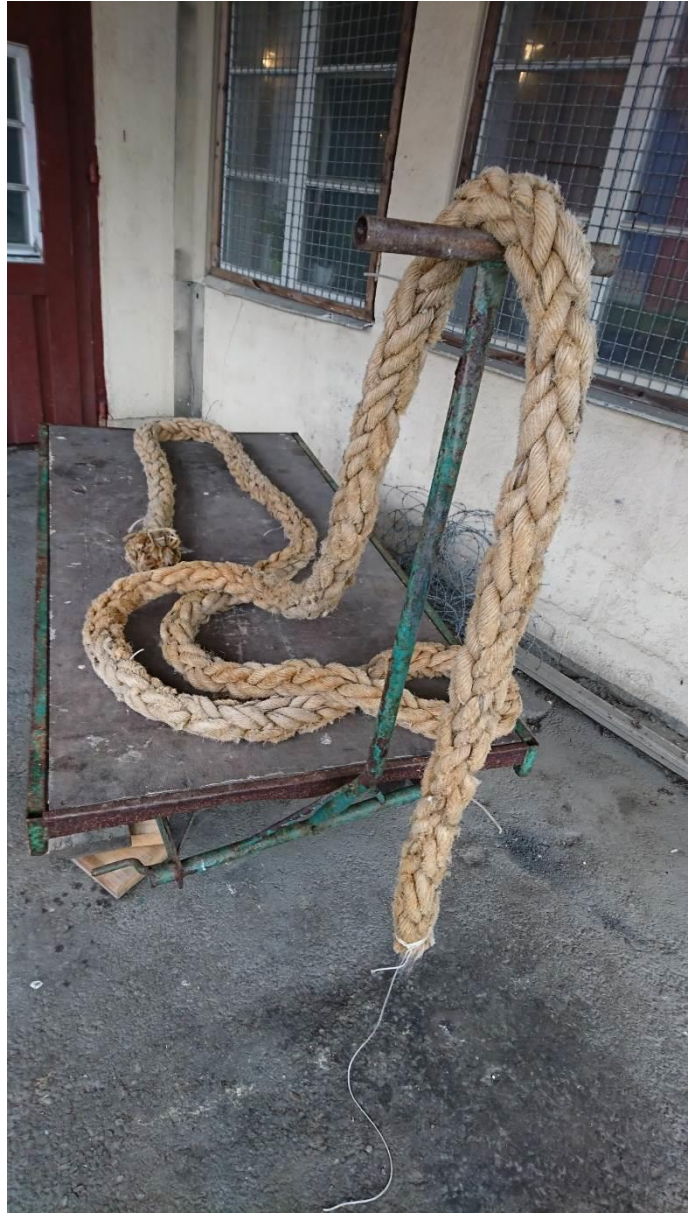
- کی بر می گردند؟

-بر خواهند گشت تا طناب ها را ببرند. بیش از این بنده هیچ نمی دانم .»

-همین؟

__ گفتند: « بر می گردیم تا طناب های دار را، برای جانیان تاریخی ببریم. ما با آنها کار داریم.»





- نفرمودند چه کار با جانیان تاریخی دارند؟
- چه کاردارم که آنها با آنها چه کاردارند.
- فقط می دانم که ،
- آنها برمی گردند تا طناب های دار را ببرند.»





چندی بعد، از همانجا گزشتم.

طنابی ندیدم.

صاحب مغازه گفت:

«آمدند و طناب های دار را برای جانیان تاریخی بردند»

حسين مشرف

8 مارس 2019